



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

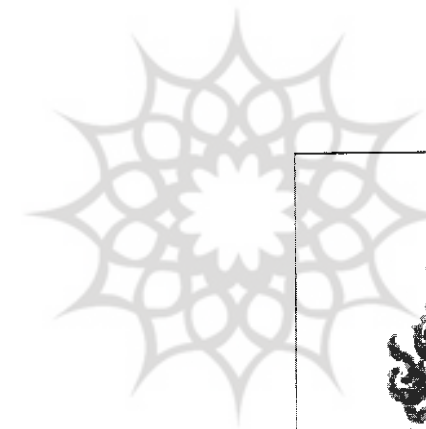
دین سنی و سنی برهمن سنی

دوشنبه ۲۹ فروردین ماه سالن ۱۷ شهریور دانشگاه تربیت معلم تهران میزبان سنایی‌شناسان ایران و جهان و دستداران زبان و ادبیات فارسی بود. ساعت ۹:۴۵ سرود جمهوری اسلامی ایران در سالن ۱۷ شهریور طنین‌انداز شد. مراسم افتتاحیه با تلاوت آیاتی از کلام... مجید رسماً آغاز به کار کرد. دکتر محمدعلی برخوردار رییس دانشگاه تربیت معلم ضمن خوشامدگویی به مهمانان از برگزاری مراسم نکوداشت حکیم سنایی در دانشگاه تربیت معلم ابراز خرسندی کرد.

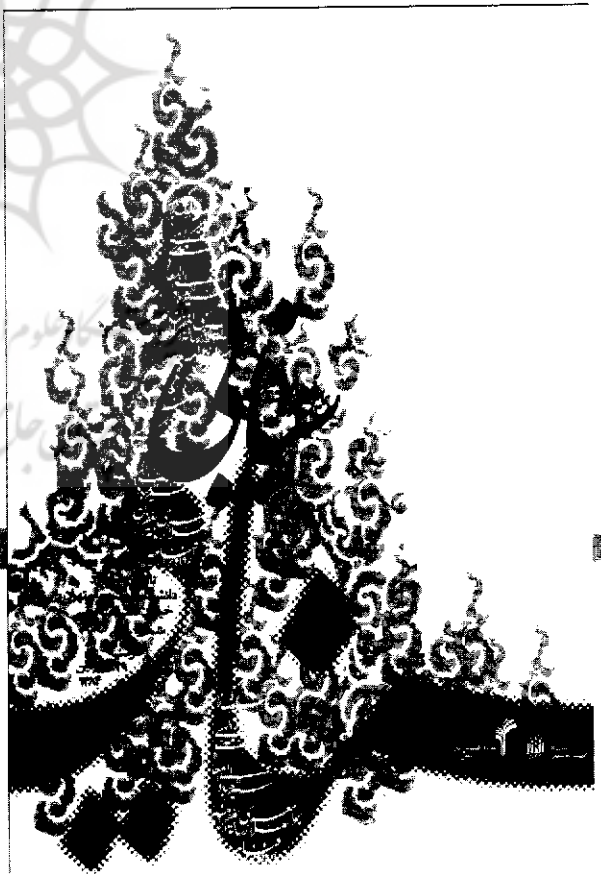
علی اصغر محمدخانی دبیر شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی و دبیر همایش نکوداشت حکیم سنایی دومین کسی بود که در مراسم

افتتاحیه به صحبت پرداخت. او ضمن خیرمقدم به شرکت‌کنندگان از درگذشتگان ادبیات در سال جدید یاد کرد و گفت: ما ذخیره‌های فراوانی در ادبیات کلاسیک و معاصر داریم که می‌توانیم با بررسی و توجه به آنها بر غنای فرهنگی خود بیفزاییم. با وجود اهمیتی که سنایی در تاریخ ادبیات فارسی داشته است، اما این اولین همایشی است که درباره او برگزار می‌شود این همایش آغازگر مسیر «سنایی پژوهی» است.

احمد مسجدجامعی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: در سال‌های اخیر ساماندهی رویدادهای فرهنگی یکی از روش‌های سیاست‌گذاری بخش فرهنگ بوده است این سیاست با نام‌گذاری روزها دنبال شده است



مجله علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
جامع علوم انسانی



حسینہ خانم اناریان

بزرگ است .

رودکی ، خیام ، سنایی ، بیہقی ، سعدی ، مولانا و حافظ و بسیاری بزرگان دیگر؛ میراث فرهنگی فرزندان این مرز و بوم را در هر دوره نہ تنها از خدشہ حوادث حفظ کردہ کہ غنای دیگر بدان بخشیدہ‌اند و این‌گونه است کہ نگین زبان و ادبیات فارسی ، با پشتوانہ‌هایی از روزگاران دور و دراز در حلقہ ادبیات جهان می‌درخشد . سنایی از آنجا کہ جان تازه‌ای در کالبد قصیدہ دمید و توانست این قالب با شکوہ را از فساد و تباهی برہاند ، ارزش و اہمیتی در شعر و ادب فارسی دارد . فضای تازه و معناداری کہ سنایی وارد قصیدہ کرد ، بہ او این توفیق را داد کہ نہ تنها

کہ این کار بہ برگذاری بزرگداشت شخصیت‌ها منجر شد و بستری برای شناخت کسانی کہ نمودار فرهنگ و اندیشہ قومی ، ملی و مذہبی ما هستند ، فراہم کرد . ادبیات فارسی آینہ تمام‌نمای قوم ، ملت و فرهنگی



است. اوحدالدین مثنوی کوتاه دیگری دارد به نام «ذیل سیرالعباد» حدود ۱۸۱ بیت دارد. اوحدالدین معتقد است که سیرالعباد شاهکاری است که فقط می‌توان ذیل آن نوشت. با حمد و سپاس و توحید آغاز می‌کند بعد به بحث در مقام آدم می‌پردازد و داستانی کوتاه در بر خورد با یک نی بیان می‌کند.

دومین سخنران همایش دکتر سیدعلی شاه روستایار عضو آکادمی علوم افغانستان بود که درباره سنایی و معرفت حقایق گفت: در توریق آثار سنایی پی می‌بریم که روش معرفت یک بعد اساسی جهان‌نگری سنایی را تشکیل می‌دهد. او با ترکیب عرفان و حکمت بر مبنای خدایپرستی، اساس و بنیاد جهان‌بینی‌اش را بنا نهاده است. خداجویی غایت عرفان او را تشکیل می‌دهد خدا از نظر او حقیقت کامل است. سنایی به توحید اعتقاد کامل دارد و برای شناخت یگانگی خداوند به دو شیوه معرفت متوسل می‌شود: ۱- معرفت علمی ۲- معرفت شهودی. او معتقد است معرفت به حق امکان شناخت نسبت به همه مراتب وجود را فراهم می‌کند.

از نظر سنایی معرفت حق طی سه مرحله به دست می‌آید: ۱- شریعت ۲- طریقت ۳- حقیقت.

حکیم سنایی چون همه عرفا در مرحله شریعت هر گونه علم منتهی به حقیقت را می‌ستاید در مرحله معرفت شهودی به امتزاج موضوع شناخت و عامل شناخت معتقد است. حکیم سنایی حالات جذبه و در نتیجه کشف و شهود برای عارف را مطرح می‌کند.

دکتر جلال‌الدین کزازی سومین سخنران بود که درباره سنایی سوراندیشه و شورانگیزه چنین گفت:

اگر با نگاهی ژرف به ادبیات فارسی بنگریم می‌توانیم به دو گونه

آغازگر این راه باشد بلکه با وجود تأثیرپذیری فراوان شاعران بعد از او از این نوع شعر؛ او همچنان در صدر بماند. شعر او سند اجتماعی آن روزگاران است. سنایی شاعر محوری همه اندیشه‌های عالم تصوف و عرفان و قلندری است.

سنایی حلقه ارتباطی قوی میان کشور ما با کشورهای دیگر به ویژه همسایگان ما به شمار می‌رود که از این زاویه لزوم پرداختن بیشتر به سنایی روشن‌تر می‌شود. مسئولیت اهل قلم در این راه شناساندن گم‌گوشه‌های آثار سنایی، خطیرتر و سنگین‌تر است. او در خاتمه از همه مهمانان داخلی و خارجی برای حضور در همایش سنایی سپاستگزار می‌کرد.

بعد از سخنرانی وزیر ارشاد، همایش وارد اولین نشست تخصصی علمی خود شد که ریاست اولین نشست به عهده استادان محمدروشن دکتر محمود عابدی و علی اصغر محمدخانی گذاشته شد. با تشکل هیأت رئیسه آقای دکتر نصرالله پورجوادی عضو فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی به عنوان اولین سخنران علمی همایش به جایگاه دعوت شد تا قرار گرفتن او پشت تریبون خلاصه‌ای از آثار و شرح فعالیت‌های فرهنگی او توسط هیأت رئیسه برای حضار قرائت شد. دکتر نصرالله پورجوادی مقاله خود را با عنوان «ذیل سیرالعباد سنایی» ارائه کرد:

اوحدالدین رازی شخصیتی است که حدود یک قرن پس از سنایی می‌زیسته و از او تأثیرات بسیاری پذیرفته است. از اوحدالدین اثری در دست است به نام «اجتماع علامه» یا «حکیم نامه» به نظم و نثر که شرح فلسفه و حکمت از دیدگاه اوست. این اثر شباهت بسیار زیادی به سیرالعباد سنایی دارد. وجه اشتراک آن با سیرالعباد در خودشناسی

بنیادین سخن پارسی راه بیریم: ۱- شعر اندیشه یا سروده سر و ۲- شعر انگیزه یا سروده دل. کارشگرف سنایی در پهنه سخن فارسی است که شعر اندیشه را به شعر انگیزه پیوند می‌زند. سنایی است که گونه‌ای سامان‌مند در ادب راز آلود و نهان‌گرایانه پارسی پدید می‌آورد؛ عطار آن را در می‌گسترده، می‌پرورد و مولانا آن را به فرازناهی فرهنگدی والایی می‌رساند. سنایی شاعری اندیشه‌ای و انگیزه‌ای است که اندیشه در سروده‌های او برانگیزه، چیره است.

با این سخنرانی بخش اول همایش پایان یافت.

ساعت ۱۱:۴۵ نشست دوم همایش به ریاست خانم دکتر امیربانو کریمی، دکتر عباس ماهیار و دکتر محمود فتوحی آغاز شد.

دکتر سعید حمیدیان از دانشگاه علامه طباطبایی اولین سخنران دوم بود. موضوع سخنرانی او از تأثیر سنایی در تحول غزل فارسی بود که پیرامون آن چنین گفت: همانطور که ویژگی‌های برجسته سنایی در عرصه حکمت، اخلاق فلسفه و کلام و امثال آن بر همگان روشن است، در عرصه غزل نیز تا حدود بسیاری همان حالت دقت و پرسشگری او دیده می‌شود. غزل سنایی بیش از آنکه مایه شور و شیدایی و مستی داشته باشد؛ مایه پرسش و دقت دارد. البته نمی‌توان گفت از جنبه نخست یکسره عاری است چون غزل نمی‌تواند وجد و جذبه و شیفستگی و شیدایی نداشته باشد؛ اما در همین غزل سنایی را دقیق و استدلالی و پرسشگر و کنجکاو و به دنبال دقایق و باریک‌بینی‌های طریقت با بیان خاص عالمانه سنایی می‌بینیم. سنایی در غزل اولین کسی است که عشق‌های شهودی و مغزلات آنچنانی را یکسره دگرگون می‌کند و به عالم عرفان می‌کشاند و در این زمینه او را می‌توان پیشوای غزل عارفانه دانست که تمام شاعران بزرگ بعد از او، ادامه‌دهنده و رهسپر سنایی‌اند. تمام نمادهایی که در کل جریان غزل عارفانه هست از سنایی آغاز شد. او به خوبی در شعر عارفانه دست به انتقاد می‌زند. سنایی جستجوگر آفاق نو در غزل است. غزل آمیخته به مدح هم با سنایی شروع می‌شود. و جای بسیار حیرت و شگفتی است که سنایی یکباره اینهمه تازگی را به شعر فارسی هدیه می‌کند.

دومین سخنران نشست دوم دکتر محمدجعفر یاحقی از دانشگاه فردوسی مشهد بود، او درباره سیر سنایی پژوهشی چنین گفت:

اهمیت سنایی در تحول غزل و جایگاه او به عنوان پیشگام در شعر عرفانی و به تبع آن عطار و مولوی سبب شده است که از دیرباز آثار و اندیشه‌های او در ایران و افغانستان و جز آن مورد توجه باشد. چاپ کلیات آثار سنایی توسط محمد تقی مدرس رضوی و اهتمام ویژه او در دهه

چهل، برگزاری کنگره جهانی سنایی در کابل به سال ۱۳۵۶ و انتشار کتاب *Of Piety and Poetry* در سال ۱۹۸۳ در لینن به ترتیب در ایران و افغانستان و اروپا توجه محققان را به سنایی و آثار او جلب کرد و مقالات و پژوهش‌های بسیاری را سبب شد. پس از انقلاب اسلامی در ایران به دلیل روشن، اندیشه‌های دینی و زاهدانه سنایی مورد توجه قرار گرفت و تدریس آثار او در برنامه درسی دانشگاه‌ها جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد و متعاقب آن گزیده‌ها و نقد و تحلیل‌های چندی به ویژه از کتاب *حدیقه* و درباره آن پیدا شد و پایان نامه‌های زیادی در مورد آثار سنایی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی و آزاد پدید آمد. در سال‌های اخیر کوشش برای چاپ مجدد آثار سنایی با رایانه به ویژه در ونیز آغاز و گام‌هایی هم در این مسیر برداشته شده است.

سومین سخنران همایش دکتر مریم‌السادات حسینی از دانشگاه الزهراء مقاله خود را با عنوان: جایگاه عقل در نظام فکری سنایی ارائه کرد: یکی از پرسامدترین واژه‌های کتاب *حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه سنایی* (۴۶۲-۵۲۵ ه.ق) واژه «عقل» است. در آثار سنایی کاربرد این واژه همراه با صورت فارسی آن یعنی «خرد» نشان از یکی از پراهمیت‌ترین بنیان‌های فکری در نظام فلسفی وی دارد. اختصاص فصلی در *حدیقه* به «ستایش عقل و عاقل و معقول»، ارزش و اهمیت عقل در برابر حس و محسوسات، استفاده از صفات و تشبیهاتی چون: براق خرد، نور خرد، باغ خرد، خواجه خرد؛ ستایش و بزرگداشت بزرگان دین چون پیامبر اکرم (ص) و خلقای چهارگانه و همچنین پادشاه و بزرگان دربار به صفت عقل، از درجه اهمیت عقل و خرد در *حدیقه*، حکایت دارد و فخری نامه را به خردنامه‌ای تبدیل می‌کند. سنایی در توجه به ارزش عقل در نظام آفرینش و طبیعت بی‌توجه به آرای اخوان‌الصفا، ابن‌سینا، غزالی و گاهی ناصر خسرو نبوده است.

اما در همین کتاب *حدیقه* گاهی ابیاتی در مذمت و نکوهش عقل به چشم می‌خورد که خواننده کتاب ممکن است آن را نشان تناقض در نظام فکری شاعر بداند. ابیاتی نظیر:

عقل آلوده از پی دینار

ارنی گوی گشته موسی وار

یا:

حق پژوهان که راه دل سپرند

عقل را لاشه دبرشمرند

وجود این ابیات در *حدیقه* و نظایر آن در دیوان موجب شد تا این پندار در ذهن خوانندگان آثار وی شکل گیرد که سنایی نیز چون گروهی

از صوفیه برای خرد و عقل ارزشی قائل نبوده و هر نوع خردگرایی و کاربندی عقلانی را محکوم کرده است .

مطالعه حاضر نشان می‌دهد که سنایی نه تنها خردگریز نبوده بلکه جانب خردگرایی وی بسیار قوی است و اطلاق نام حکیم به وی هم به سبب توجه شاعر به مباحث عقلانی و اهمیت عقل در جهان بینی وی دارد. حکیم سنایی در سه موضع از کتاب **حدیقه**، عقل را ناتوان شمرده و در مذمت آن سخن رانده است. یک بار در ابتدای **حدیقه** آنجا که در معرفت و شناخت حق سخن می‌راند، دوم آنجا که به ستایش محمد(ص) می‌پردازد از عاجزی عقل در برابر جایگاه وی می‌گوید، و دیگر بار آنجا که عقل را در برابر عشق قرار می‌دهد و عشق را از عقل و جان برتر می‌داند.

دکتر کاظم کهدویی از دانشگاه یزد به عنوان آخرین سخنران نشست دوم همایش مقاله خود را با موضوع سنایی شناسی در افغانستان ارائه کرد:

محققان و ادیبان افغان از دیرباز عنایت خاصی به شاعر شهیر غزنین حکیم سنایی غزنوی داشته‌اند. در این مقاله کاظم کهدویی به معرفی کتاب‌ها و مقاله‌های مرتبط با اندیشه و آثار و زندگی سنایی غزنوی در افغانستان پرداخت. در سال ۱۳۶۵ خورشیدی به مناسبت نهمین سال تولد حکیم سنایی مجلس بزرگداشتی در شهر کابل برگزار شد. در آن سال همزمان با آن مجلس علمی، حدود ۱۲ کتاب ارزنده درباره شخصیت و اندیشه و آثار حکیم سنایی به همت وزارت اطلاعات و کلتور (فرهنگ) افغانستان و مؤسسه انتشارات بیهقی کابل و پوهنتون (دانشگاه) کابل منتشر شد. همچنین مقاله‌های زیادی در مجلات **دانش** (مجله دانشگاه کابل)، **ادب**، **آریانا** و ... در افغانستان به چاپ رسید. آن سال نقطه عطفی در سنایی شناسی به شمار می‌رود. در قالب کتاب‌شناسی توصیفی، آثار پژوهشی منتشره درباره سنایی غزنوی در افغانستان، و نیز برخی پژوهش‌های اخیر در دانشگاه‌های آن کشور را که هنوز به چاپ نرسیده معرفی کرده‌ایم.

نشست سوم همایش نکوداشت سنایی در ساعت ۱۵ کار خود را با ریاست دکتر محمدجعفر یاحقی، دکتر حسینی و علی اصغر محمدخانی آغاز کرد. اولین سخنران جلسه دکتر مریم مشرف از دانشگاه شهید بهشتی بود که درباره تفسیر قول **الا اله الا الله** در آثار سنایی صحبت کرد:

نقطه ادبیات صوفیانه در تفاسیر عرفانی و قرآن کریم نهفته است. آیه شریفه «**لا اله الا الله**» در سوره ۳۷ آیه ۳۵ و مواضع دیگر و آیه شریفه «**لا اله الا هو**» سوره ۴ آیه ۸۷ از جمله آیاتی هستند که صوفیان به طریق باطنی به تفسیر آنها پرداخته‌اند. تفسیر عرفانی این دو آیه تا قرن پنجم هجری قمری به تدریج در متون نثر صوفیانه پرورده شد و رمز مراحل سلوک عرفانی گشت. در قرن ششم حکیم سنایی غزنوی این سنت تفسیری رایج در ادبیات مثنوی را به قلمرو شعر عرفانی وارد کرد و مضامین و معانی شاعرانه‌ای از آن برآورد. در سده‌های بعد دیگر شاعران فارسی از روش حکیم سنایی در تفسیر این آیات پیروی کردند.

دکتر صالح اف از دانشگاه دولتی تاجیکستان دومین سخنران نشست بعد از ظهر بود که درباره تصویری از سنایی در تاجیکستان صحبت

کرد: سنایی شاعری است که در همه ژانرهای ادبی طبع آزموده، قصیده را از بار تملق آزاد کرد و شکلی نو از مثنوی بنیاد نهاد. سنایی شناسان تاجیکستان با علاقه در زمینه آثار سنایی به تحقیق و بررسی مشغول‌اند از مهم‌ترین کسانی که آثارشان در این زمینه راهگشا بوده است می‌توان به علاءالدین اف کرامت الله عالم اف، شادی شاکرزاده و فرهاد حسن اف و سبحان‌الدین صدیق اف اشاره کرد. تحقیقات این نویسندگان از جدی‌ترین تحقیقات درباره سنایی به شمار می‌رود. خوشبختانه زبان شناسان تاجیک هم به تحقیق در زمینه سنایی پرداخته‌اند. در این زمینه می‌توان از محقق زندین مختار اف نام برد.

بادعوت هیأت رئیسه از دکتر محمد تقوی از دانشگاه فردوسی مشهد او درباره قصه‌پردازی سنایی به سخنرانی پرداخت:

یکی از اجزای عمده آثار تعلیمی زبان فارسی، قصه و حکایت است (که معادل‌های دیگری همچون تمثیل، داستان، افسانه، ماجرا و ... نیز دارد). بخش مهمی از جذابیت این آثار و استقبال از آنها مرهون برخورداری از قصه‌های پرجاذبه است. در تاریخ فرهنگ و ادب ایرانی و اسلامی قصه‌گویی جایگاه درخوری دارد و این جایگاه باعث شده است در ادبیات تعلیمی قصه‌پردازی بسیار جدی گرفته شود؛ به ویژه وقتی که تنها خواص، مخاطب آثار نبوده‌اند. با آنکه سنایی به حق یکی از مبدعان تعلیم صوفیانه به زبان شعر فارسی است، اما به نظر می‌رسد به دلایل مختلف از این امکان و زمینه مناسب بهره‌نگرفته یا نتوانسته بهره بگیرد و در عمل قصه‌پردازی را جدی نگرفته است. گویا در ذهن معنی‌اندیش سنایی توجه به دنیای قصه و افسانه و صورت و ساختار آن جای چندانی ندارد.

با مروری بر حکایت‌ها و قصه‌های نقل شده در **حدیقه** کاملاً آشکار است که اهتمام کمی از سوی شاعر صرف صورت‌بندی قصه‌ها شده است و این شاعر معلم به دلایل مختلف مانند برخورداری از ذهن حکمت‌آموز و حیات زهدآمیز، نخواست یا نتوانسته در این حوزه تخیل باروری از خود نشان دهد و حکایت‌ها و قصه‌هایش اغلب خام و نسنجیده و گاه کم ارتباط با مقصود و جذابیت آن‌ها اندک است. کار او صرفاً نقل و بازنویسی حکایت‌های مأخوذ از آثار دیگران بوده است نه با آفرینی آنها. خواننده **حدیقه** در این اثر وارد دنیای داستانی نمی‌شود و تنها باید در پی معنی باشد؛ زیرا شیوه بیان و ساختار اثر توجه را از معنی منصرف نمی‌کند (در قیاس با مثنوی یا آثار عطار حتی سعدی و منظومه دیگر منظومه‌سرایان به ویژه نظامی). به نظر من به همین دلیل با وجود شهرت بسیار **حدیقه** در میان خواص اهل ادب، این کتاب در میان عموم نتوانسته است چندان جایگاهی پیدا کند.

به نظر می‌رسد سنایی بیش از دیگران به قصه و داستان صرفاً به عنوان ابزاری برای تأکید بر سخن و معنای مورد نظر می‌نگریسته و این نکته با آنکه نزد دیگر گویندگان ادبیات تعلیمی مورد توجه بوده است و اساساً یک سنت ادبی در فرهنگ ما به شمار می‌رود (از فردوسی تا عصر حاضر) در عین حال در بعضی آثار ادبی برجستگی بیشتری دارد و خود عامل اقبال خوانندگان به این آثار بوده است. در **حدیقه**، جاذبه اثر، بیشتر ناشی از معانی آن است که تا صورت‌های بیانی از جمله قصه‌پردازی و قصه‌گویی گرچه این شیوه از فرهنگ شفاهی به متون ادبی راه یافته، اما به تدریج جزء لاینفک این متون شده است. در این

مقاله با مرور قصه‌های حدیقه (چه داستان‌های صرفاً تخیلی و چه داستان‌های واقعی و تاریخی) در حد مجال و امکان، تفاوت دیدگاه و سبک او را با مولانا و دیگران نشان داده‌ایم.

بعد از آن دکتر اصغر دادبه از علامه طباطبایی درباره اندیشه‌های کلامی سنایی چنین گفت: در قرن پنجم و ششم، قرونی که سنایی در آن می‌زیسته قرن تسلط عرفان و کلام است ما در این دوران از طرفی قشری‌گرایی و سنت‌گرایی داریم و در عین حال بازگشت به فرد. از طرفی میراث فلسفی داریم که به قرن پنجم رسیده است و از طرفی جستجوگری برای یافتن گمشده‌ای. حرکت سنایی دقیقاً دنباله جستجوگری این قرن است. اشعری‌گری او یا هر شاعر هنرمند دیگر و



یا عارفی با اشعری‌گری باقلانی متفاوت است. سیر سنایی از تصوف به عرفان است؛ سیر زهد به عشق و از کلام به سوی عرفان. در مسئله رویت خردمندان می‌گوید:

گرچه حشمت ورا نمی‌بیند

خالق تو، تو را همی بیند

در ماجرای حبر و اختیار به همان آراء اشاره معتقد است. سنایی معتقد است سالک در آغاز حرکتی جبری دارد و بعد به سوی اختیار پیش می‌رود. سیر از دوگرایی به یک‌گرایی سیر از تسلیم شدن در برابر آن قدرت قهار و سرانجام احساس اختیار کردن.

جلسه با سخنرانی دکتر مهدی زرقانی از دانشگاه فردوسی مشهد با عنوان نوآوری سنایی در ساحت غزل عرفانی ادامه یافت، خلاصه گفته‌های او چنین بود:

پرسش محوری از این قرار است که تازگی کار سنایی در سنت غزل سرایی فارسی شامل چه مواردی بوده است؟ برای یافتن پاسخ، ابتدا خلاصه‌ای از «سابقه تحقیق» در این موضوع ارائه شده است. سپس نوآوری‌های سنایی در ساحت غزل در ذیل دو عنوان شگردها و نمادسازی و نمادپردازی به ترتیب ذیل به بحث گذاشته شده است:

۱- شگردها

الف) دو وجهی کردن ساحت معنایی غزل

ب) ابداع غزل ملامتی - قلندری

ج) بیان شاعرانه تجربه شهودی

د) تغییر ماهیت عناصر اسطوره‌ای

۲- نمادسازی و نمادپردازی

الف) خانواده «تیپ‌های خاص اجتماعی»

ب) خانواده «واژگان میخانه‌ای»

ج) خانواده «واژگان دینی و ضد دینی»

د) خانواده «واژگان لیریک».

با پایان سخنرانی دکتر زرقانی نشست سوم همایش برای تنفسی کوتاه تعطیل شد. مهمانان برای پذیرایی به بیرون از سالن هدایت شدند. با آنکه همایش طولانی شده بود اما هنوز دوستداران و پژوهشگران زبان و ادبیات فارسی همچنان با شور و علاقه سخنرانی‌ها را دنبال می‌کردند. اگرچه حال و هوای صبح و شور و حرارت آغاز کمتر شده بود اما ما خرسند بودیم که هنوز اکثر مدعوین ما در جلسه حاضر بودند.

بعد از گذشت بیست دقیقه از مهمانان دعوت شد به سالن بازگردند تا آخرین نشست علمی همایش سنایی را آغاز کنیم. و آخرین هیأت رئیسه با حضور دکتر دادبه، دکتر کهدویی، دکتر هادی و دکتر نقابی تشکیل شد و در آغاز دکتر اسحاق طغیانی از دانشگاه اصفهان برای ارائه مقاله‌اش با عنوان تنوع صورت و محتوا در دیوان سنایی به جایگاه دعوت شد. او درباره این موضوع گفت:

سنایی شاعر بزرگ و پرمایه ادب پارسی از جمله شاعران برجسته‌ای است که آثارش از جهات کمیت و کیفیت درخور توجه و بررسی است. از میان آثار این سخنور کم نظیر، دیوان اشعار گرانسنگ وی از ظرافت‌ها و لطایف خاص برخوردار است که از جهت ادبی و فکری و زبانی و تنوع مضامین مختلف جایگاه ویژه و استواری دارد.

دیوان سنایی با بیش از سیزده هزار بیت شعر مشتمل بر سروده‌هایی در قالب قصیده، ترکیب بند، ترجیع بند، مسمط، غزل و قطعه است که از ارزش‌های ادبی و فرهنگی والا برخوردار است و با دیگر آثار مهم سنایی مانند **حدیقه الحقیقه** و **سیر العباد الی المعاد** پهلو می‌زند. این اثر از چمن‌داز نظر وزن، تعداد ابیات، الگوهای زبانی، کارکرد زبان، زمینه‌های معنایی و محتوا، مضامین نو و بدیع، بلاغت و شیوه‌های بیان تنوع فوق‌العاده و چشمگیری دارد.

دکتر طغیانی گفت بر آن بوده است ضمن اشاره به انواع مضامین و موضوعات مورد توجه سنایی، صورت‌ها و شیوه‌های مختلف بیان و ارتباط با مخاطب، انواع قالب‌های به کار گرفته شده در دیوان و کم و کیف اجزای آنها به بررسی ارزش ادبی دیوان سنایی بپردازد و از دیدگاه بلاغت در آن تأمل بنماید.

آن گاه اشعار آن را از جهت کارکردهای زبانی از دیدگاه «یاکوبسن» بررسی کند تا نشان داده شود که سنایی برای کنش‌های ارتباطی خود سخن سنجیده‌اش را جهت ابلاغ پیام‌هایش استادانه به کار می‌گیرد. او در این مورد به اقتضای حال، شرایط مخاطب کلام خود را در نظر دارد تا به عنوان شاعری توانا تمام مراتب گویندگی را در حد کمال به نمایش درآورد و به عنوان الگویی برتر مورد توجه شاعران بزرگ بعد از خود باشد. دکتر حمید عبداللهیان از دانشگاه اراک سخنران بعدی بود که درباره پایگاه سنایی در داستان عرفانی صحبت کرد و چنین گفت:

سنایی را می‌توان پایه‌گذار داستان عارفانه در ادبیات ایران دانست. پیش از سنایی اخوان الصفا و ابوعلی سینا از داستان‌هایی ساده، تأویل‌هایی فلسفی ارائه کرده بودند و سنایی احتمالاً به تأثیر از آنها داستان را به این سو کشاند. به نظر می‌رسد که کتاب **کلیده و دمنه** مهم‌ترین الگوی سنایی برای تأویل داستان‌های رایج بین مردم باشد. در روزگار سنایی موجی از توجه به داستان و به خصوص نتیجه‌گیری از داستان در ادبیات فارسی دیده می‌شود که تحت تأثیر جریان‌های فکری جامعه است. داستان‌های سنایی دارای ویژگی‌های ادبیات کلاسیک ایران و تا حدودی دنیا است. داستان‌ها بیشتر در قالب‌های قصه حیوانات (fable) حکایت (tale) و تمثیل (allegory) است. توجه سنایی به این نوع از داستان‌ها بیشتر به اقتضای محتوا و موضوع آثارش است. به دلیل اینکه پیش از او در کاربرد داستان به این شکل تجربه چندانی وجود نداشته، سنایی بیشتر با پیروی از تجربه و سلیقه ادبی خویش، اقدام به نوآوری‌هایی در نقل داستان کرده است. سنایی بیشتر از همه به مخاطب عامی و کم‌سواد آثار عرفانی در روزگار خود توجه دارد. همین نکته عمده‌ترین حکم‌کننده بر مضمون، ساختار و نتیجه داستان‌هاست. نوآوری‌های سنایی از قوانین خاص پیشگامی در مکتب‌های هنری پیروی می‌کند؛ یعنی بعضی از جاها بسیار ارزشمند و هنری و در پاره‌ای از موارد سطحی و سست به چشم می‌آید. پاره‌ای از داستان‌های سنایی را پیروانش (عطار و مولانا) نیز به نظم درآورده‌اند و ضعف‌های سنایی در این موارد بیشتر بر ملا می‌شود. گرچه فضل تقدم برای او باقی است. تکرار نتیجه، عدم تناسب نتیجه با داستان، غیرمعقول‌نمایی، پرداخت سست و... از نارسایی‌هایی است که به بعضی از داستان‌های شاعر راه یافته است و عطار و مولانا از روی این تجربه‌ها فرصت یافته‌اند تا نارسایی‌های آثار خود را در این زمینه برطرف سازند. خلاقیت‌های فردی و دسترسی به منابع داستانی بکر و سادگی در بیان و پرداخت داستانی از عمده‌ترین دلایل جذابیت داستان‌های سنایی است.

از دکتر یدالله جلالی پندری از دانشگاه یزد دعوت شد تا مقاله خود را درباره سنایی و غزل قلندرانه ارائه کند و او با حضور در جایگاه در این باره

گفت: در مجموعه غزل‌های حکیم سنایی با دو دسته غزل روبه‌رو هستیم که تعدادی از آنها عنوان «غزلیات» را که عنوانی رایج بوده است بر خود دارند و تعدادی دیگر عنوان کم‌نظیر «قلندریات» به خود گرفته‌اند. این تقسیم‌بندی ظاهراً از آن نوع تقسیم‌بندی‌ها نیست که بعداً گردآورنده اشعار شاعر (جامع دیوان) به سلیقه خویش غزل‌های سنایی را از یکدیگر جدا کرده باشد. بلکه با ظن قریب به یقین می‌توان گفت که تقسیم‌بندی «غزلیات» و «قلندریات» از جانب خود سنایی صورت گرفته است و شگفت آنکه در دو نسخه قدیمی از دیوان سنایی (نسخه کابل و نسخه ملک) این تقسیم‌بندی دیده می‌شود و علاوه بر آن، ترتیب ذکر غزل‌های قلندری (که البته ترتیب الفبایی ندارد) در دو نسخه مزبور با یکدیگر مطابقت دارد و این در حالی است که ترتیب کتابت غزل‌ها بر اساس حرف الفبای قافیه و ردیف صورت نگرفته است. در بخش «قلندریات» تعدادی قصیده که به لحاظ مضمون در ردیف «قلندریات» قرار می‌گرفته نیز آمده و شگفت‌تر آنکه قلندریات با قصیده‌ای در ستایش پیامبر (ص) آغاز می‌گردد:

ای ایزدت از رحمت آفریده

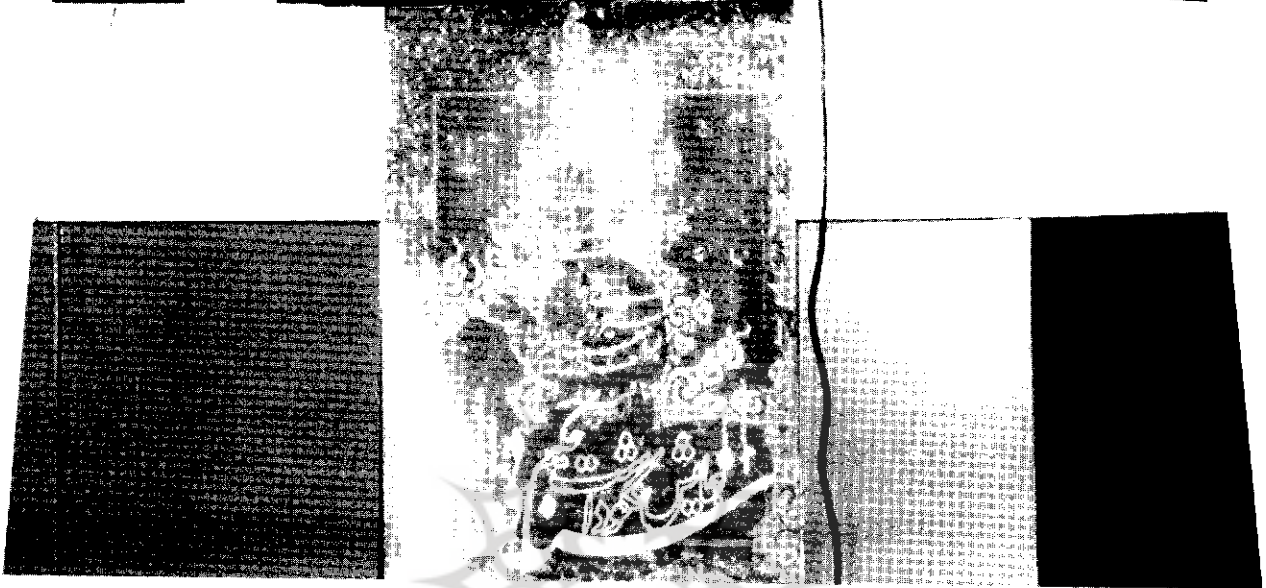
در سایه لطفت بپروریده

در غزل‌های قلندرانه سنایی نوعی تقابل با آنچه در قصاید زهدی آورده، دیده می‌شود. سنایی در زهدیات در اندیشه تبلیغ شریعت است و افسوس خوردن بر اصول از دست رفته آن؛ اما در قلندریات نوعی ستیز با زهد و شریعت رایج دیده می‌شود. به کار گرفتن واژگان و مفاهیم مطرود شریعت (از قبیل قمار، شراب، ستایش باده نوشی و گرامیداشت رند و مغان نامسلمان و پناه بردن به خرابات) از اندیشه‌های رایج در غزلیات قلندرانه سنایی است.

ستایش خرابات و پیران خراباتی در قلندریات سنایی ظاهراً بیش از آنکه مرتبط با شیوه ملامتی او باشد، باید ارتباطی با ساحت‌های اندیشگی او داشته باشد. آنچه درباره علت بیداری سنایی گفته‌اند که دیوانه لای‌خوار باعث این بیداری شد شاید بی‌ارتباط با تجربیات خود سنایی در خرابات نباشد، روایت‌هایی که از زندگی او در دست است او را برهنه پای و محتاج ازار نشان می‌دهد و تصویری که عطار در **مصیبت‌نامه** از او نشان می‌دهد به صورت شوریده‌ای است که می‌تواند هم‌نشین دیوانه لای‌خوار خراباتی باشد. آیا گلخن که جایگاه بیداری سنایی است بخش زمستانی خرابات نبوده است که مستان لای خوار پشت پا بر دنیا زده در سرمای زمستان پشت به خاکستر گرم آن باز می‌نهادند و سنایی آن را با عبادتگاه شریعتمداران برابر می‌داند:

گلخن‌ها را همه مسجد شهر

گلخنیان را همه سادات گیر



آیا این سه‌گانگی وجود از لوازم زیستن در جامعه شریعتمدار نبوده است که سنایی از سویی همانند واعظان سخن می‌گوید و در چند شعر به ستایش آنها می‌پردازد و از سوی دیگر به نکوهش واعظان و شریعتمداران می‌پردازد؟ همان خصلتی که بعداً حافظ، خود را به سبب این ریای رندانه می‌ستاید:

حافظم در مجلسی، دردی کشم در محفلی

بنگر این شوخی که چون با خلق صنعت می‌کنم
بخشی از درون مایه غزل‌های قلندرانه سنایی به ستیز با جامعه
ریاورز اختصاص یافته و به صورت اعتراض به معیارهای جامعه
شریعتمدار خود را نشان می‌دهد، تفاوتی که شعر سنایی و حافظ از این
دیدگاه پیدا می‌کند در این است که سنایی خود در میان مبلغان شریعت
قرار دارد و اعتراض او، اعتراضی از درون است، در حالی که شعر حافظ
اعتراضی است که از بیرون جامعه دین مدار نسبت به معیارهای آن بیان
می‌شود. سنایی در غزل‌های قلندرانه خود در عین حال که به نکوهش
شریعتمداران ریاکار می‌پردازد، قلندریان و خراباتیان را می‌ستاید و از
کارهای خلاف شریعت آنها با ستایش یاد می‌کند. زبانی که برای بیان
این درون مایه‌ها به کار می‌رود طبعاً با زبان غزل‌های غیرقلندرانه و زبان
مدایح و زهدیات او متفاوت است و گاه به زبان شطحیات عارفان شطاح
نزدیک می‌شود:

این غزل شطح است و قوالش منم

وین سخن حق است و برهانش تویی

علاوه بر آن، در این نوع غزل‌ها، نوعی آهنگ ترنم و نشاط احساس

و آیا غزل‌های قلندرانه در شکل ابتدایی خود، سرود مستان دردآشام
خرابات نشین نبوده است؟ آنچه از مجلس ابوسعید ابوالخیر نقل کرده‌اند
که شعری می‌خواند که زاهدان از بر زبان آوردن آن شرم داشتند می‌تواند
نمونه‌ای از این سرودها باشد:

من دانگی و نیم داشتم حبه کم

دو کوزه نبی خریده‌ام پاره کم

بربط من نه زیر مانده است و نه بم

تا کی کوی قلندری و غم غم

به نظر می‌رسد یک جانب وجودی سنایی نه به لحاظ تمثیل بلکه از
نظر گاه واقع در خرابات شکل گرفته باشد و غزل‌های قلندرانه او، شکل
شاعرانه ترانه‌های مستانه خراباتیان است که به وسیله امثال ابوسعید
ابوالخیر با مفاهیم عرفانی همراه گشته است و سپس سنایی آن را در
پیمانه غزل ریخته و بعداً در غزل‌های عطار نضج گرفته و در زبان مولوی
به اوج رسیده و آن گاه حافظ آن را به آسمان رسانده است. سنایی این
جانب وجودی خود را در کنار دو جانب دیگر (مدیحه سرایی و زهدسنایی)
تا پایان عمر حفظ کرد و در مجموعه اشعار او جلوه‌هایی از این سه جانب
وجودی او دیده می‌شود:

در مدایح، انسان خاکی نیازمندی است که در نیاز آزار خود را به
یعقوب که چشم اندامش با رؤیت، لباس بینی خواهد گرفت و ممدوح
را به یوسف مانند می‌کند! در زهدیات بر منبر است و شریعت را تبلیغ
می‌کند. در قلندریات در کنار خراباتیان است و بر آسمان سیر می‌کند.

می‌شود که یادآور سرور مستان خراباتی و یا مجالس سماع آن روزگار است و صورت تکامل یافته آن را بعداً در غزل‌های مولوی می‌توان شاهد بود.

در این مقاله کوشش می‌شود تا ضمن اشاره به خاستگاه غزل‌های قلندرانة سنایی و استمرار آن در غزل‌های عطار و مولوی و حافظ، ویژگی‌های آن از نظر صورت و محتوا، در حد توان، بیان گردد.

سخنران بعدی دکتر عبدالجبار عابد عضو آکادمی علوم افغانستان بود که درباره مقام و جایگاه علم و دانش و کلام سنایی گفت: نظریات سنایی در عرصه علم و دانش در کلیه آثارش مشهود است. او در همه جا خرد را علم و دانش و ادب را موجب مباحث دانسته است. او مقام والای دانش و دانشمند را می‌ستاید و میان علم‌دان و علم‌خوان تفاوت قائل است. او مانند سایر دانشمندان ارزش علم و دانش را وابسته به چگونگی هدف آن می‌داند. به باور او اگر حصول علم یا دریافت حقایق توأم باشد و از آن نتایج خیر و صلاح حاصل گردد، حامل خود را به صفات نیک انسانی متصف می‌کند. چنین دانشی انسان را به خدا نزدیک کرده سبب رستگاری او می‌شود انسان برای حصول این علم باید رنج و مشقت را تحمل کند. او کسب علم را یکی از راه‌های ترک رذایل می‌داند. این شاعر بلند پایه تکامل را پروسه متناوم و پیگیر می‌داند و باور کامل دارد که تکامل راه پرپیچ و خمی را طی می‌کند و این راه طولانی باید به صورت همیشگی تعقیب شود و این همه جز با علم و دانش نمی‌تواند پدید آید. دکتر ابراهیمی دینانی از دانشگاه تهران که قرار بود درباره عقل و عشق در آمار سنایی سخنرانی کند گفت:

در حروفی که پرده نقل است

اول عقل آخر شرع است

هنر لفظی سنایی در این بیت آوردن و توجه به «ع» در اول کلمه عقل و آخر کلمه شرع است؛ اما او به معنای این عبارت بیشتر توجه دارد تا لفظ آن و معتقد است آخر شرع و لغایت آن آغاز عقل است. در گستره فرهنگ ایرانی بعد از اسلام علوم مختلفی در کنار هم قرار گرفته‌اند. در این فرهنگ بار عمیق و سنگین معارف اسلامی بر دوش شعر فارسی گذاشته شده است. شعر فارسی حامل پیام وحی در قالب زبان و نظم فارسی است. بزرگ‌ترین تفسیر قرآن همین آثار ادبی است و سنایی در این راه پیشکسوت است. اولین او بود که از توصیف و مدح روی گرداند و وارد معارف شد. سنایی مرگ را به گونه‌ای بیان می‌کند که تراژیک نباشد او با بیان مسئله جاودانگی مرگ را می‌کشد.

در ادامه همایش دکتر حبیب الله عباسی از دانشگاه تربیت معلم

تهران به بیان دیدگاهش درباره بینش تراژیک سنایی پرداخت: سنایی با گسستن از دربار کوشید، زندگی تجربی و عینی خویش را با زندگی حقیقی و عرفانی آشتی دهد یا به عبارت دیگر میان دو دنیای «درون» و «برون» خودالفتی ایجاد کند. این گسست اگر چه هرگز او را بدان مقصود نرسانید؛ اما به تراژیک شدن وی انجامید. البته این همه، به دلیل ضعف هستی‌نگر عرفانی - که او پدر شعر آن است - نبود، بلکه به دلیل جدایی آشکار و قطعی میان شعر و زندگی بود. در این مقاله محور اصلی سخن اثبات شخصیت تراژیک حکیم سنایی و احصای ویژگی‌های این نوع انسان است. انسان تراژیک انسانی است تنها، که در برابر انسان حماسی قرار می‌گیرد. انسان حماسی با گذشته و ارزش‌های قومی نسبتی ندارد، او تنهاست و تنهایی‌اش عین آزادی اوست. پس از بحث درباره چیستی بینش و انسان تراژیک، امارات و قراین تراژیک بودن حکیم سنایی برشمرده شده است. اماراتی مانند دو قطبی بودن دیدگاه‌های شاعر در مسئله عقل و عشق، دربار و خانقاه، شریعت و طریقت، هروله میان غزله و نیشابور و... در پایان به تفصیل از دو نوع مخاطب درباری و انسانی شعر شاعر که از دیگر امارت‌های تراژیک بودن شاعر است، سخن رفته است. همچنین ذکر شده که اثر ادبی آئینه‌ای است که نگرش‌ها و آمال اجتماعی هر دوره را منعکس می‌کند و از منظر تخیلی هم آگاهی جمعی را بازمی‌تاباند و هم حرمان‌های گوناگون اجتماعی را جبران می‌کند. به پیوند و ارتباط استوار اثر ادبی و جامعه در سطوح محتوا و ساختار نیز اشاره شده است.

آخرین سخنران همایش علمی حکیم سنایی دکتر محمود فتوحی از دانشگاه تربیت معلم تهران بود که مقاله خود را با عنوان: «سیرالعباد و سیر و سلوک زائر» ارائه کرد و گفت:

نخست اشاراتی داریم به سیر تاریخی مطالعات تطبیقی پیرامون منظومه تمثیلی **سیرالعباد** سنایی و آثار مشابه آن در ادبیات جهان مانند: **ارداویراف نامه** در ادبیات زردشتی، قصه معراج پیامبر اسلام، رساله **حی بن یقطان** ابن سینا، رساله **الففران** از ابوالعلاء معری شاعر عرب (د: ۴۴۹ ق / ۱۰۷۰ م.)، **کمدی الهی** دانته (۱۳۲۱)، **بهشت گمشده** اثر جان میلتون شاعر و ادیب انگلیسی (۱۶۶۷) **مصباح الارواح** اثر شمس‌الدین محمد بردسیری کرمانی (قرن هفتم هجری) و **جاویدنامه** اثر اقبال لاهوری. در ضمن بررسی این سیر تاریخی نشان داده که محققان به طور کلی سه منشأ برای اندیشه و ساختار **سیرالعباد** سنایی مطرح کرده‌اند:

۱) منشأ یونانی (هلنیستیک): اندیشه‌های فلسفی



۲) منشأ ایرانی: ساختار سفر روحانی و بن‌مایه‌های اساطیری و زردشتی

۳) منشأ اسلامی: معراج نامه‌های اسلامی و داستان عروج پیامبر اکرم (ص)

آن گاه به بررسی شباهت‌های میان **سیرالعباد سنایی** با یک اثر مشابه دیگر در ادبیات انگلیسی قرن هفدهم به نام **سیر و سلوک زائر** (۱۶۷۸ م) نوشته جان باتن می‌پردازیم این اثر در ادبیات مسیحی اهمیت خاصی دارد و پس از انجیل دومین کتاب معتبر مسیحی به شمار می‌رود، که به ۱۲۴ زبان ترجمه شده است. دو اثر **سیرالعباد** و **سیر و سلوک زائر** سواى اینکه نامشان شبیه به هم است، از لحاظ هدف و مضمون و ساختار نیز شباهت‌هایی میان آن دو وجود دارد. در این دو اثر بن‌مایه‌ای دینی و فلسفی غالب است و گویای این است که سنایی و باتن بر مبنای آن بن‌مایه سیر تکامل انسان و سفر معنوی او به جانب کمال را در قالب روایت تمثیلی در عالم رویا به تصویر کشیده‌اند. گذار از مراحل دشوار و رسیدن به منزلگاه سعادت و حقیقت، شالوده‌ی روایت داستانی در هر دو اثر است.

در اینجا منظومه **سیرالعباد الی المعاد سنایی** و همه آثار مشابه از جمله **رمان سیر و سلوک زائر** از خانواده‌ی نوع ادبی واحدی به نام «تمثیل رؤیا» (Allegory of Dream) یا بصیرت رؤیا (Dream vision) به شمار آمده‌اند.

تمثیل رؤیا، روایتی تمثیلی است که در آن راوی با درآمدن به عالم خواب و رؤیا حوادثی را تجربه می‌کند و پس از بازگشت به جهان عادی آن را روایت می‌کند. معمولاً در این سفر خیالی راوی با کمک یک راهنما، مرحله‌ی را پشت سر می‌گذارد. حوادث و اموری که در رؤیا می‌بیند کاملاً

تمثیلی است، یعنی بر چیزی غیر از خود دلالت دارد. نویسنده با بیان ویژگی‌های دیگر این نوع ادبی خاطر نشان کرده که بحث بر سر منشأ این گونه آثار و تأثیر تأثر آنها از یکدیگر کاری بس دشوار است که گاه ره به جایی نمی‌برد، چرا که آثاری از این نوع در ادبیات اغلب ملل و نحل هست و نمی‌توان آن را به قومی خاص نسبت داد؛ چه کهن‌ترین نمونه این سفر روحانی در حماسه گیل گمش، مربوط به سه هزار سال پیش آمده است. با قرار دادن همه این آثار در ذیل ژانر ادبی «تمثیل رؤیا» شباهت‌های میان آنها امری طبیعی می‌نماید زیرا آثار متعلق به یک گونه ادبی، شباهت‌های بسیار دارند. نکته آخر اینکه جایگاه دو اثر در تاریخ یک ژانر ادبی واحد و روش‌های بیانی و بلاغی آن دو از طریق مقایسه آنها بهتر نمودار می‌شود.

دکتر فتوحی بعد از ارائه مقاله‌اش به عنوان دبیر علمی همایش افزود: ما در نظر داریم که در دانشگاه تربیت معلم اتاقی با عنوان مرکز سنایی پژوهی افتتاح کنیم. و هر سال یک یا دو مراسم و سخنرانی مختصر برای نکوداشت سنایی برگزار کنیم و با دعوت از محققین و مستشرقان خارج از کشور زمینه تحقیقاتی در باب سنایی را گسترش دهیم و با مراکز علمی که درباره سنایی مشغول پژوهش هستند ارتباط برقرار کنیم. تشکیل کتابخانه‌ای از آثار سنایی و آثار مربوط به او از برنامه‌های دیگر ماست. همچنین ایجاد مرکزی برای اطلاع‌رسانی مفید درباره سنایی. شاید با این کار بتوان گامی در جهت ساماندهی تحقیقات در این مقوله برداشت. اگر میسر باشد راه‌اندازی یک سایت اینترنتی سنایی راهکار ارزشمندی در این زمینه خواهد بود.

او در پایان از همه دست‌اندرکاران و کسانی که در برگزاری این همایش حضور داشتند، سپاسگزاری کرد.